



گفت و گو با

محمد جواد صاحبی *

🗨️ : از یک رسانه دینی، چه انتظارهایی می توان داشت. بایسته ها و اقتضاءات رسانه دینی را چه می دانید. آیا تاکنون رسانه های دینی کشور، توانسته اند انتظارها را برآورند و بایسته و اقتضاءات را به درستی رعایت کنند.

● در پاسخ باید عرض کنم رسانه در معنای اعم آن، شامل کلیه امکانات صوتی، تصویری، شنیداری و نوشتاری است. این رسانه ها با هم متفاوت هستند. هر کدام اینها اقتضاءات و امکانات و مخاطبان ویژه خودش را

* از دانش آموختگان حوزه درس حضرات آیات: شیخ علی پناه اشتهاردی، مرتضی بنی فضل، عابدی شاهرودی، استاد جلال الدین آشتیانی، محمدابراهیم جناتی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و... دبیر شورا و مسؤول دبیرخانه دین پژوهان کشور، رئیس هیأت مدیره انجمن ادیان و مذاهب حوزه علمیه قم، عضو شورای پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، کارشناس و مشاور برخی از برنامه های شبکه های سراسری صدا و سیما، مدیر انتشارات و مجلات کل سپاه پاسداران (از ۱۳۵۹ - ۱۳۶۲)، سردبیر مجله کیهان اندیشه (از آغاز تا پایان ۱۳۶۴ - ۱۳۷۸)، و دارای آثار بسیار: مقاله های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و علمی و چند کتاب، از جمله: اندیشه اصلاح در نهضت های اسلامی، مقتل الشمس، بنیان گذار نهضت احیاء تفکر دینی و...

داراست. رسانه‌ای مثل صدا و سیما، مخاطبان متنوعی را دربر دارد. طبیعی است بایستی به تعداد سلیقه‌های موجود جامعه، با توجه به سطوح مختلف اجتماعی، برنامه‌هایی متناسب داشته باشد و فیلمها و برنامه‌های متناسب با این سطوح مختلف جامعه ارائه دهد.

به نظر من، این کار در رسانه‌ای مانند صدا و سیما متأسفانه در حد انتظار عملی نشده است. شاید در ابتدای انقلاب اسلامی، از صدا و سیما انتظار می‌رفت که بتواند در عرصه‌های پژوهشی، آموزشی و هنری کارهای خوبی ارائه دهد و در بین نسل‌های مختلف بخصوص جوانان، جاذبه‌هایی برای گرایش به دین ایجاد کند؛ لیکن این کار به نحو احسن انجام نشده است که جای بررسی این موضوع، این جا نیست و در یک همایش و گردهمایی مهم باید به بررسی این مسأله پرداخته شود.

🔗 : شاید به نوعی لازم باشد که به این مسأله پرداخته شود که حکومت و حاکمیت به طور کلی و حوزه به طور اخص، از ابزارهای رسانه‌ای مسدود برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های دینی چگونه استفاده کرده و ابزارهای سنتی در این میانه به چه سرنوشتی دچار شده‌اند؟

● منبر به عنوان رسانه قدیمی دارای کارایی خوب و بسیار بالا بوده و در رژیم گذشته از آن، به عنوان مهم‌ترین رسانه در اختیار روحانیون و علما، استفاده می‌شده است. بسیاری از حقایق از این طریق به مردم عرضه و حرکت‌های اجتماعی بزرگ توسط منابر ایجاد شده است.

دانشمندان بزرگ و علمای ربّانی، برای آگاهاندن مردم، از منبر استفاده می‌کردند. منبر، با همه اهمیتی که در تاریخ داشته، بعد از انقلاب آن جایگاه

گذشته را از دست داده است. در حالی که انتظار می‌رفت با فضای مناسبی که ایجاد شده، به نحو احسن رسالت خودش را انجام دهد. منبریه‌های ما در گذشته، افراد بسیار فاضل، باسواد و عالم بودند و ما کسانی مانند: مرحوم آقای راشد را داشتیم که فیلسوف، حکیم و دانشمند بود و پیام سنجیده او هنوز هم پس از نیم قرن برای فضلا قابل استفاده است. اینها همیشه ما را راهنما و مرحوم آقای فلسفی که از نظر دانش و هنر خطابه در حد بسیار خوب و سخنان او تأثیرگذار بود. همیشه رفته و می‌ماند و ما را راهنما و مرحوم مطهری که شاید یگانه زمان ما باشد. که از مجله حوزه وجود داشته.

اما پس از انقلاب، شاهد افت این رسانه هستیم و حتی باید بگویم که بعضی از منبریه‌های فعلی، صلاحیت لازم را ندارند. متأسفانه بعضی از اینان، به رسانه‌های گروهی هم راه پیدا کرده و مطالبی منتشر می‌کنند. در حالی که منبر رسانه‌ای بوده است که لااقل در طول این دو قرن اخیر، تحولات فکری زیادی داشته و سبب شده است، به هر حال، حوزه علمیه قم و دفتر تبلیغات اسلامی برای این مسأله بایستی برنامه‌ریزی جدی انجام می‌داد و گویندگانی را تربیت می‌کرد که برای بیان حقایق به مردم در شهرها، روستاها و خارج از کشور مفید باشند که این هم متأسفانه در حد قابل انتظار و کاربردی و مفید نبوده و انجام نگرفته است.

مسأله دیگر بحث امکانات رایانه‌ای و نرم افزارهای مختلف و ابزارهایی چون اینترنت است که امروز در اختیار ما قرار گرفته است و باید ببینیم که چگونه از این ابزارها و امکانات، در تبیین و نشر معارف دینی، مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی خودمان استفاده می‌کنیم؟ به نظر من، از این وسیله بسیار مهم و مفید در ایران به صورت تقلیدی استفاده می‌شود و جنبه تشریفاتی پیدا

کرده است. اما در مجموع رسانه‌های مکتوب، بخصوص مطبوعات و کتابهای منتشر شده، تا حدودی توانسته‌اند حقایق اسلام را در حد معمولی بیان دارند. البته برخی از رسانه‌های موجود با مخاطب سنخیت ندارند. در برخی از این نشریات، کار به روش سنتی است و به دلیل این که از قالبهای جدید در آنها بهره‌گیری نمی‌شود، نتوانسته‌اند آن جاذبه مناسب را برای مخاطبان داشته باشند. به طور کلی ما درباره رسانه‌های مکتوب هم، یک سیاستگذاری کلان نیاز داریم، تا بتوانیم معارف دینی را به مردم منتقل کنیم.

🔗 : ارزیابی جناب عالی از مجله حوزه چیست و چه انتظاری را

باید برآورد.

● باید عرض کنم: مجله حوزه در ابتدا یک حرکت ابتکاری بود. این جریان نوگرا، اصلاحی و آموزشی مکتوب هم از جهت ادبیات و هم از نظر شیوه ویرایش و هم از جهت قالبهای نو برای محتوای کهن بسیار تأثیرگذار بود. بسیاری از مجلات از آن متأثر شده‌اند. جامعه علمی و دینی ما اقبال خوبی به این مجله داشتند و همواره به مخاطبان آن افزوده می‌شد و این کار در نوع خود منحصر به فرد بود. در واقع، مجله دیگری هم در آن زمان وجود نداشت و مجله حوزه هم در شرایط جنگ و هم در شرایط بحرانهای داخلی کاری بایسته و شایسته به شمار می‌آمد و در کارهای مطبوعاتی دین، کم سابقه و شاید بی سابقه بود و لذا استقبال خوبی هم از سوی مخاطبانش شد.

اکنون هم انتظار می‌رود استقبال مخاطبان از این مجله، که فکر می‌کنم نسبت به گذشته‌ها قدری کم‌رنگ شده، افزایش یابد.